

< هو الحکیم >

عنوان:

عالم ذر



دکتر وحید باقر پورکاشانی

© صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ ©



@SERATEHAGHI

بحثی داریم به اسم عالم ذر.

مرحوم شیخ حرّعاملی نقل می‌کنن، بیش از هزار حدیث در مورد عالم ذر ما داریم، بیش از هزار حدیث! که واقعاً خواندن روایات عالم ذر و عالم اظله و اشباح، عالم ارواح خیلی روایات عجیبی هست آدم رو تکون می‌ده. اون‌جا ماجرای پیش اومده، امتحان‌هایی صورت گرفته، معرفتی داده شده، مثلاً؛ اون‌جا خداوند به انسان‌ها معرفت خودش رو داده، معاینه صورت گرفته! لذا می‌گه؛ همه واجد معرفت الله هستن این فطرت خداشناسی گاهی مستور می‌شه. یعنی همه‌ی ما خداشناس بودیم، اون معرفت خداوند در عالم ذر به ما داده، هر چی که فطریه، خدا شاهده فطریه! هر چی که فطریه، همگانه، یعنی به همه داده شده. محو نشدنی هست، همه جائیه، یعنی از اون عالم به این‌جا اومدیم بازم اون هست. در عالم ذر معرفتش داده شده، و امتحان کردن به اقرار و اون‌جا قَالُوا بَلَىٰ كَفَرْنَا بِهِ أَلَا نَسْتَدْعِيهِ بِآيَاتِهِ الَّتِي لَا تُنْفَخُ عَنْهُمْ أُولَئِكَ جِثَامُ الْإِنسَانِ. پروردگار شما نیستیم؟ قَالُوا بَلَىٰ، که يك آیه هم در قرآن هست و روایت هم فراوان هست. در خصوص عالم ذر، فقط اقرار به وجود پروردگار نشده، اقرار به نبوت خاتم النبیین هم شده، به عنوان پیامبر آخر. اقرار به وصایت آقا علی بن ابی طالب شده تا اقرار به وجود نازنین حضرت صاحب الزمان هم شده. گروهی این رو پذیرفتن، گروهی اون رو نپذیرفتن.

گروهی که پذیرفتن این‌جا در شرایط خوبی به عنوان شیعه قرار گرفتن، گروهی که نپذیرفتن در اون امتحان‌ها این‌ها غیر شیعه شدن، تقسیم شدن. گاهی اوقات سؤال می‌شه، می‌گه؛ آقا این بی‌عدالتی نیست؟ خب بین ما الان تو خانواده‌ی شیعه‌ایم. به طور نود درصد که حالا فرض کنیم شیعه هم می‌شید. اگه سنی بودیم، سنی بودیم. مسیحی بودیم، مسیحی بودیم. گاوپرست بودیم، گاوپرست بودیم! فرقه‌های مختلف بودیم! بودیسم، جینیسم، سیکسزم، هرکدوم از این‌ها بودیم بالاخره همون مسلك بودیم. خب این جبر هست، آقا مگه ما خواستیم که تو خانواده‌ی مثلاً؛ شیعه یا سنی یا مسیحی باشیم.

يك بچه‌ی بی‌گناه روحش در چهارماهگی در رحم مادر در این جنین، خب حالا فرض کنیم این مادر آتئیسته، مسیحیه، یهودیه، این بابا آتئیسته، کافره... چیه! هر چی هست دست ما که نبوده مجبوریم. این روایت‌ها می‌گم بررسی بشه این مسائل ازش استفاده می‌شه که؛ نکته‌ی اول: در عالم ذر ما امتحان شدیم. در عالم ذر که ما امتحان شدیم این‌ها به سلسله مراتب، موفقیت‌هایی که داشتیم این‌جا شرایط برای ما راحت‌تر شده. شرایط عاقبت به خیری، شرایط هدایت.

یعنی فرض کنید که یک نفر، یک پدر مادر فرهنگی، مؤمن هم هستن این بچه چی می‌خواد دیگه، یک بنده‌ی خدایی هم که می‌گن؛ با پدر مادر معتاد بی‌دین، بی‌پول، حالا ای خدایا این که این‌جا بود این چی می‌خواد در بیاد!!!

این می‌تونه مؤمن بشه، اون مؤمنه هم می‌تونه مرتد بشه، همه‌ی این‌ها هست اما بالاخره شرایط، زمینه مختلف هست. معمولاً وقتی که تو یک خانواده‌ی مذهبی باشه بچه‌ها هم مذهبی و سالم بار میان. تو یک خانواده‌ی معتاد و خرابی باشه بچه‌ها هم معمولاً چیز خوبی در نیاد. خب این چه طور بوده؟ اینا می‌گن؛ بر می‌گرده به اون عوالم! در امتحانات لول‌های مختلف که نمره گرفتن این‌جا پخش می‌شن. خب حالا پخش می‌شن خب خدایا اون‌جا که ما امتحان دادیم یک عده را آوردی بهشت یک عده هم آوردی جهنم. اگر بنا باشه ما اون‌جا خرابکاری کردیم، چرا تو خانواده‌ی بدبخت و بیچاره و بی‌پول و بی‌دین ما را قرار بدی، آخر هم ما را ببری جهنم! خب همون‌جا صاف می‌بردی جهنم!

می‌گن: نه يك فرصت ديگه بهت دادن، يعني همون كه در يك خانواده‌ی بی‌دینی هم هست، مختار كه هست، می‌تونه برگرده. اما زمينه مشكل‌تره، ببينيد زمينه مشكل‌تره، هدايت شيم اگه بخواييم. -گر طالب راه حق شوی ره پيدااست-عقل داده، انبياء را فرستاده، كتب آسمانی را فرستاده، تحقيق هست، پژوهش هست، می‌تونه برسه. اما زمينه مشكل‌تره، بله زمينه مشكل‌تره.

مثل اين می‌مونه كه اون زمان ما ثلث اول داشتيم، ثلث دوم داشتيم، ثلث سوم. ثلث اول ده می‌گرفتيم، ثلث دوم پانزده می‌گرفتيم، ثلث سوم يك ده می‌گرفتيم، پاس کرده بوديم رفته بوديم پي كارش. اما اگه ثلث اول پنج می‌گرفتيم، ثلث دوم پنج می‌گرفتيم، ثلث سوم بايد ۲۰ می‌گرفتی! ثلث سوم بيست خیلی كار مشكل‌تره، اما نمی‌تونى بيست بگیری؟! چرا؟ حالا نمی‌گم پنج.

ثلث اول هشت بگیری، ثلث دوم هم هشت بگیری، چی می‌خوای؟ شانزده می‌خوای، شانزده كه می‌تونى بگیری ديگه. خب شما زمينه راه ديگه‌ای برای جبران‌ش رو خداوند قرار داده برای غير شيعه.

برای شیعه چی؟ ثلث

اول بیست بگیر، ثلث دوم بیست بگیر، ثلث سوم نمی‌تونی نه
بگیری؟ نه بگیری چی می‌شدی؟ تجدید می‌شدی. دوباره آی بابا
ثلث اول بیست! نه آقا ثلث سوم نهائی هست! اون از همه مهم‌تره
باید پاس کنی بره. اول و دوم خراب می‌کردی، سوم راهی نداره
مرتد می‌شه طرف. ممکن هست تو یک خانواده‌ای باشه بی‌دین
بشه پس تمام این‌ها برمی‌گرده به اون عوالم.
حالا گروهی این‌جا قَالُوا بَلَى گفتن، قَالُوا بَلَى هم دارای مراتب بوده،
اون‌جا لول‌های مختلف امتحان بوده.

مثلاً؛ تو روایت داریم می‌گن چرا یونس ترك اولی کرد؟ در شکم
ماهی مدتی بود که بعد گفت خدایا ما را ببخش و از ظالمین بودم
و ... اون گناه نبود، ترك اولی بود. یونس این بنده‌ی خدا نفرین کرد
و عذاب بنا بود نازل بشه، این دید داره عذاب نازل می‌شه فرار
کرد! فرار کرد الان عذاب نازل می‌شه!

بہتر بود بگہ خدایا من برم؟ قوم رو ترك كنم؟ مثل این می‌مونه که پستی را به يك سربازی دادن، حمله می‌کنن طرف در می‌خواد بره! بہتر بود به فرمانده بگہ، فرصت نیست می‌رم دیگہ، باید برم دیگہ، دشمن داره حمله می‌کنه! این کارو نکرد بندهی خدا. بہتر این بود. خداوند این رو مدت‌ها تو شکم ماہی قرار داد و خداوند بخشید این ترك اولی او را بخشید. می‌گن یونس چرا این‌طوری شد؟ می‌گہ آنی در قَالُوا بَلَىٰ تَرَدِيدًا. نہ، مکث کرد! مکث کرد. يك آن، شاید ثانیہ‌ای کمتر از صدم ثانیہ يك تأمل... اون‌جا نتیجہ‌اش رو دید.

می‌گن؛ اولین کسی که قَالُوا بَلَىٰ را گفت کی بود؟ نبی اکرم بود. لذا شد اشرف مخلوقات البتہ قبلش ہم بودہا. امتحان دوبارہ شد. بعد آقا علی بن ابی طالب و ائمہی معصومین بودن. اون‌جا يك ماجرای پیش اومد گروهی پذیرفتن. گروهی ولایت ائمہی معصومین و حجج الہی را پذیرفتن. می‌گن؛ يك تیرگی، غباری، عالم ذر را فرا گرفت، اون‌جا خداوند امر کرد چہ کسی حاضرہ کہ فدائی بشہ این غبار رو برطرف کنه؟! اون‌جا می‌گن؛ وجود نازنین سیدالشہداء، اون‌جا اولین کسی کہ در عالم ذر گفت؛ خدایا این کارو من انجام می‌دم این غبار برطرف بشہ، این غبارشرك و کفر و تردید و انحراف و این‌ها برطرف بشہ.

خداوند متعال گفت: که خب به چه قیمتی؟ این غبار چه جوری برطرف می‌شه، به قیمتی که طرف جانش را بده، جان خودش رو بده، جان عزیزاش رو بده و راضی بشه به اسارت زنها و خانواده‌اش! امام حسین گفت؛ من این کارو انجام می‌دم. می‌گفتن وقتی که اون مکتوبی بود که می‌خواستن مهر بزنن به اقتضای اون عالم پیامبر این رو دید گریه کرد، دادن دست آقا امیرالمؤمنین، دید و مهر زد و گریه کرد، یعنی پذیرفت، می‌تونست امام حسین بگه نه، امام حسین گفت من، انتخاب کرد. صحیفه را دادن دست حضرت زهرا تا این رو دید غش کرد، غش کرد و به حال آوردن بی بی را، ولی امضاء کرد. چون بالاخره بحث هدایت بود! تک تک معصومین، خود سیدالشهداء. خداوند گفت که این غبار و به شهادت کلیه، یعنی این که جان خودت و عزیزات و اسارت زن و بچه، این غبارها تا حدودی برطرف بشه و همین طور هم بود. امام حسین چی کار داره می‌کنه؟ همون جوان لات که نگاه می‌کنی بند هیچی نیست، عاشورا می‌شه، محرم می‌شه که خیلی کارها را می‌ذاره کنار، عزاداری و اشک می‌ریزه برای امام حسین.